

Reflexivity and Its Application in Qualitative Researches: A Narrative Review

Sarieh Poortaghi ¹, Afsaneh Raiesifar ², Parisa Bozorgzad ^{3,*}, Zeinab Raiesifar ⁴, Erfan Teymuri ⁵, Shakib Saraee ⁶

¹ Assistant Professor, PhD in Nursing, School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

² Assistant Professor, MSc, PhD in Nursing, School of Nursing and Midwifery, Ilam University of Medical Sciences, Ilam, Iran

³ Assistant Professor, PhD in Nursing, School of Nursing and Midwifery, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

⁴ Student Research Committee, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran

⁵ BSc Student in Nursing, School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

⁶ BSc Student in Anesthesiology, School of Paramedicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

* **Corresponding author:** Parisa Bozorgzad, Assistant Professor, PhD in Nursing, School of Nursing and Midwifery, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran. E-mail: p.bozorgzad@yahoo.com

Received: 11 Oct 2017

Accepted: 26 Apr 2018

Abstract

Introduction: Understanding human experiences and recognizing their world are the main aims of a qualitative research. There is a concern to trust to the findings that lead to meaning-making, so several methods have been recommended for this challenge. Reflexivity is one of the most important and technical way that introduced in this field. This study aimed to clarify the concept of reflexivity, its dimensions and how to apply it in qualitative researches.

Methods: A systematic review of evidences was conducted. Databases of SID, PubMed, Google Scholar, Ovid, MEDLINE, and CINAHL were searched by key words of “reflexivity”, “reflection” and “interpretative paradigm”, without any time limitation. After applying inclusion and exclusion criteria, a total of 16 articles and books were selected for the final analysis. The data were extracted by two researchers and reviewed by two others.

Results: From its etymological roots “reflexivity” involves looking again, turning back to yourself. It evokes interpretivist ontology, so it is a valuable material to examine the effect of researcher’s idea in meaning the situation, in qualitative research. It prepares the mind of a researcher for conducting a study and examines the validation of the findings.

Conclusions: Reflexivity is a concept and a process, that look at the researcher and the research process by critical lens. This critique is not only external and through the readers, but also resulting in researcher interpretations of his/her life and his/her experiences in encountering the events.

Keywords: Reflexivity, Reflection, Qualitative Research



بازتابندگی و بکارگیری آن در تحقیقات کیفی: یک مطالعه مروری

سریه پور تقی^۱، افسانه رئیسی فر^۲، پریسا بزرگ‌زاد^{۳*}، زینب رئیسی فر^۴، عرفان تیموری^۵، شکیب سرایی^۶

^۱ استادیار، دکتری تخصصی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

^۲ استادیار، دکتری تخصصی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

^۳ استادیار، دکتری تخصصی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

^۴ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

^۵ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

^۶ دانشجوی کارشناسی هوشبری، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: پریسا بزرگ‌زاد، استادیار، دکتری تخصصی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران. ایمیل: p.bozorgzad@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۲/۰۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۷/۱۹

چکیده

مقدمه: درک تجربیات افراد و شناخت دنیای آنان مهمترین هدف مطالعات کیفی است. در همین راستا دغدغه اعتماد به اطلاعاتی که منجر به ساختن معنا می‌شوند، همواره مورد توجه بوده است و روش‌های متعددی نیز در این مورد مطرح شده است. بازتابندگی و بازاندیشی، از جمله مهمترین و تکنیکی‌ترین این روش‌هاست. لذا این مطالعه با هدف تشریح مفهوم بازتابندگی و ابعاد آن و چگونگی بکارگیری آن در تحقیقات کیفی اسنجام گرفت.

روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه مروری نظاممند است. به منظور دستیابی به متون مورد نظر، واژه‌های "تحقیق کیفی"، "بازتابندگی"، "بازتاب"، "بازاندیشی"، "پارادایم تفسیری" در پایگاه‌های جستجوی الکترونیکی Science Direct، Science Direct، Magiran و PubMed، Google Scholar، Ovid، Medline Cinahl و مستقل و در ترکیب با هم بدون محدودیت زمانی مورد جستجو قرار گرفتند. پس از اعمال معیارهای ورود (وجود کلید واژه‌های یاد شده در عنوان یا کلید واژه‌های مقاله مورد نظر) و خروج (زبانی غیر از فارسی و انگلیسی، تکراری بودن، عدم ارتباط با هدف مطالعه و عدم دسترسی به تمام متن مقاله) ۱۶ مقاله و کتاب مرتبط با موضوع انتخاب شد و داده‌های مورد نظر استخراج گردید. داده‌ها توسط دو نفر از پژوهشگران استخراج و توسط دو تن دیگر مجدداً بازنگری شدند.

یافته‌ها: یافته‌های حاضر حاصل مطالعه ۱۲ مقاله و ۴ کتاب (به زبان انگلیسی) مرتبط با موضوع می‌باشند. از منظر اتیمولوژی بازتابندگی به معنای برگشتن به خود، خویش‌نگری رادیکال است. این مفهوم تفسیر کننده هستی‌شناسی تفسیرگرایانه است و به همین دلیل ابزاری با ارزش جهت آزمون تأثیر موقعیت، دیدگاه و حضور محقق در عرصه تحقیقات کیفی است که در کنار معتبرسازی یافته‌های تحقیق، ذهن و روح محقق را نیز برای انجام تحقیق کیفی آماده می‌سازد.

نتیجه‌گیری: بازتابندگی علاوه بر یک مفهوم، یک فرآیند نیز هست که با نگاهی نقادانه به محقق و روند تحقیق، اعتبار آنها را محک می‌زند. این انتقاد تنها خارجی نبوده و از طریق خوانندگان تحقیق صورت نمی‌گیرد، بلکه از درون محقق نشات می‌گیرد و تفاسیر وی از زندگی و تجربیاتش در مواجهه با وقایع، را شکل می‌دهد.

واژگان کلیدی: بازتابندگی، مطالعات کیفی، بازاندیشی، بازتاب

تمامی حقوق نشر برای انجمن علمی پرستاری ایران محفوظ است.

مقدمه

کیفی، عکاسی از درون و یا از دیدگاه افراد درگیر است [۱]. تحقیق کیفی که مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی (Interpretivist) است،

در مقایسه با روش‌های کمیت محور که فرآیند عمدتاً بوسیله محقق (یعنی از خارج) و با دیدگاه‌های وی هدایت می‌شود، هدف از تحقیق

برای مشخص شدن تاثیرات پنهان، تورشها و پیش داوریهها و مبارزه با آنها تاکید دارد [۱۳].

بنابراین همانگونه که بیان شد بازتابندگی نقش مهم و قابل توجهی در مطالعات کیفی ایفا می‌کند و بدون به کارگیری آن، یافته‌های حاصل از پژوهش‌های کیفی از صحت و دقت کافی برخوردار نخواهند بود. از آنجا که مطالعات کیفی بخش عمده‌ای از تحقیقات پرستاری را به خود اختصاص می‌دهد، شناخت این مفهوم برای محققان پرستاری لازم و ضروری است. اما نوین بودن مفهوم از یک سو و آمیختگی آن با دیدگاه‌های فلسفی از سوی دیگر درک آن را برای محققین جوان فارسی زبان دشوار ساخته است. همچنین بر اساس جستجوی‌های صورت گرفته، اطلاعات منسجم و شفافی در خصوص این مفهوم خصوصاً به زبان فارسی وجود ندارد و مطالعات کیفی انجام شده کمتر به این موضوع توجه داشته‌اند؛ بنابراین مطالعه مروری حاضر با هدف تشریح مفهوم و ابعاد بازتابندگی و چگونگی به کارگیری آن در تحقیقات کیفی انجام شد.

روش کار

مطالعه حاضر یک مطالعه مروری نظاممند است که با هدف تشریح مفهوم بازتابندگی و ابعاد آن و چگونگی به کارگیری آن در تحقیقات کیفی انجام گرفت.

به منظور دستیابی به متون مورد نظر، واژه‌های "تحقیق کیفی"، "بازتابندگی"، "بازاندیشی"، "پارادایم تفسیری" به صورت الکترونیکی در پایگاه‌های جستجوی Science Direct، Science Direct، PubMed، Google Scholar، Ovid، Medline Cinahl و Magiran و به صورت دستی در کتب مرتبط به صورت مستقل و در ترکیب با هم مورد جستجو قرار گرفتند. به منظور دستیابی به نتایج کامل‌تر محدودیت زمانی اعمال نشد. معیار ورود مقاله وجود کلید واژه‌های یادشده در عنوان یا کلید واژه‌های مقاله مورد نظر بود و معیارهای خروج نیز شامل زبانی غیر از فارسی و انگلیسی، تکراری بودن، عدم ارتباط با هدف مطالعه و عدم دسترسی به تمام متن مقاله بود. در مجموع ۵۸ مقاله و کتاب بدست آمد، پس از مطالعه خلاصه مقالات تعداد ۱۲ مقاله و ۴ کتاب مرتبط با موضوع انتخاب شد و داده‌های مورد نظر توسط دو نفر از پژوهشگران استخراج و توسط دو تن دیگر مورد ارزیابی مجدد قرار گرفتند.

یافته‌ها

باتوجه به سطح انتزاع بالای این مفهوم، یافتن یک تعریف که نشان دهنده معنی کامل و چگونگی دستیابی به بازتاب در طول فرآیند تحقیق باشد، دشوار است. بازتابندگی هم یک مفهوم و هم یک فرآیند است. به عنوان یک مفهوم، به سطح معینی از آگاه بودن محقق اشاره دارد و از سوی دیگر فرآیندی است که بر نقش ذهن در تحقیق تاکید دارد [۱۴]. تمرکز بر پیش فرضها و ارزش‌های فرد محقق به صورت ناآگاهانه مصاحبه را هدایت خواهد کرد و بازتابندگی ابزاری است برای اطمینان از اینکه جمع‌آوری داده‌ها و تفسیر یافته‌ها بر اساس دانش توصیف شده است [۱۵]. محقق از طریق بازتابندگی سعی در شناخت افکار و باورهای خود دارد و در مورد آنها به واکاوی می‌پردازد. اینکار باعث می‌شود وی شناخت کاملی از خود و باورهایش به دست آورد و

جهان را ساخته‌شده، تفسیر شده و تجربه‌شده توسط افراد در تعاملات با یکدیگر و در نظام‌های وسیع‌تر اجتماعی، دانسته [۲] و هدف اولیه از آن، درک ماهیت پیچیده افراد در بافت فرهنگی اجتماعی خودشان و توصیف معنای تجارب و رفتارهای آنان است [۳]. ساختن معنا، هسته اصلی درک تجربیات افراد از دنیای اطراف است. به بیان دیگر تجربه همیشه با تفسیر آمیخته است و این تنها راه شناخت ما از مفاهیم موجود است. بر این اساس هیچ تجربه‌ای خالی از پیش فرضها، باورها و علایق نیست، به بیان دیگر انسان هیچ گاه نمی‌تواند از ذهنیت (Subjectivity) فرار کند [۴]. گادامر این موضوع را تحت عنوان افق‌ها (Horizons) تشریح و تصریح می‌کند، در مواجهه با دیگر افراد امتزاج افق‌ها، موجبات درک دو جانبه را فراهم می‌کند [۵]. بازتابندگی در واقع در ادامه این دیدگاه و تاکید بر آن است و با هدف روشن سازی رابطه بین محقق و تحقیق صورت می‌گیرد.

در یک نگاه کلی بازتابندگی به معنای آگاهی از این مهم است که پژوهشگر خود بخشی از جامعه تحقیق است [۶]. ریشه اتمولوژیکی این مفهوم به معنای برگشتن به خود و نگاه دوباره به خود (خوبستن نگر (رادیکال) است. این مفهوم تفسیر کننده هستی شناسی تفسیرگرانه است، به این معنا که انسان را در تعامل دائم و تکرار نشدنی با دنیا می‌داند که بطور مستمر نیاز به بازبینی دارد چرا که ماهیتی ثابت و همیشگی ندارد [۷]. بازتابندگی، یکی از نکات بسیار مهم، قبل از شروع تحقیق و در طول فرآیند جمع آوری و تحلیل داده‌ها است. محققان با تطبیق مداوم، مواضع خود را در طول مصاحبه یا مشاهده مشخص می‌کنند و بر اساس آن نسبت به دیده‌ها و شنیده‌های تحقیق واکنش نشان می‌دهند. بسیاری از این موارد به صورت نا آگاهانه اتفاق می‌افتد. بنابراین آزمون تاثیرات محقق بر فرآیند تحقیق لازم و ضروری است. هر محقق باید توجه داشته باشد که چقدر؟ چه موقع؟ و چگونه بازتابندگی را مورد توجه قرار دهد. بازتابندگی ابزاری با ارزش جهت آزمون تأثیر موقعیت، دیدگاه و حضور محقق، ارتقای بینش قوی از طریق آزمون پاسخ‌های شخصی و تعاملات بین فردی، توانمندسازی خود با افزایش آگاهی بنیادی (ریشه‌ای)، ارزیابی فرآیند تحقیق، روش و پیامدها و ایجاد ژرف نگری عمومی به کلیت تحقیق از طریق پیشنهاد یک راهنمای روش شناسی برای اتخاذ تصمیمات مربوط به فرآیند تحقیق است [۸].

بازتابندگی یا بازاندیشی (Reflexivity) همچنین ابزاری برای افزایش اعتبار یا مقبولیت (Credibility) در تحقیقات کیفی است و مشخصاً در تحقیقات فمینیستی [۹] و اتنوگرافی [۱۰] نقش محوری دارد. در تحقیقات اتنوگرافی، بازتابندگی از جمله معیارهایی است که در صحت و دقت یافته‌ها تأثیرگذار است [۱۱]. در مطالعات اتنوگرافی، پژوهشگر به عنوان ابزار پژوهش، وارد عرصه می‌شود و سعی دارد تا با هرچه نزدیک‌تر شدن به موقعیت‌ها و افراد، دیدگاه درونی آن فرهنگ را استخراج کند. این موضوع باعث می‌شود تا همواره بین محقق بودن و عضوی از فرهنگ مورد مطالعه بودن، دچار دوگانگی باشد. جهت تعدیل این چالش‌ها بازتابندگی می‌تواند کمک کننده باشد. در فرآیند و فرآورده، تحقیق تأثیرگذار است، این بدان معنا است که پژوهشگر باید در هر مرحله از تحقیق متوجه تأثیر حضور خود بر مشارکت کنندگان باشد [۱۲]. در رویکرد تحقیقی گراند تئوری نیز بیش از آنکه بر انجام تحقیقات یا آزمایشات تکرارپذیر تاکید نماید، بر خودآگاهی انعکاسی

تأثیر بالقوه محقق بر داده‌ها باید بخشی از ثبت تحقیق باشد تا از طریق آنالیز مقایسه‌ای مداوم کشف گردد. بازتابندگی یک برگشت به فعالیت اصلی مشابه رفلکس زانو می‌باشد. محققان باید از تأثیر تجارب زندگی قبلی خود مانند مطالعات قبلی آگاه بوده و برای ارزیابی اثر آنها باید به عقب برگردند [۱۹]. محققان باید به تأثیر کار یا تجربه قبلی بر دیدگاهشان اعتراف نمایند. یادآور نویسی محققان برای آگاهی از تأثیرات بالقوه خود بر داده‌ها کمک می‌کند. آنالیز داده‌ها می‌تواند به بحث بین داده‌ها، تئوری ایجاد شده، یادآورها و محقق ارتباط داده شود. در همه حال باید توجه داشت درحالی‌که خلاقیت خود محقق یک جزء لازم و ضروری در ظهور طبقات است، باید این طبقات به صورت استقرایی از داده‌ها استنتاج شود و اجباری در شکل‌گیری آنها بر اساس عقاید قبلی محقق وجود نداشته باشد [۲۰]. بدین منظور لاوز (۱۹۹۵) تهیه یک "راهنمای موضوعی" برای انتخاب داده‌ها و تحلیل اولیه (کدگذاری باز) را پیشنهاد می‌کند. این راهنما به طور واضح تأثیرات ما، اهداف جزئی و درک و فهم‌های قبلی را شناسایی خواهد کرد. این راهنما شامل: نوشتن یادآور در مورد استدلال موجود در پس ساختاربنندی، توضیح به فردی خارج از گروه تحقیق در مورد اینکه چه کاری انجام می‌دهید و چرا، ارائه یافته‌های اولیه خود به گروهی از همکاران منتقد و در نهایت، نشان دادن خودآگاهی به خوانندگان است. برای اینکه باید روش تحقیق خود را تصریح نماییم و آنالیز خود را به نحوی توضیح دهیم که خوانندگان خودشان آن را تأیید نمایند [۲۱].

بحث

هدف از این مرور تشریح مفهوم بازتابندگی و ابعاد آن و چگونگی به کارگیری آن در تحقیقات کیفی بود. در یک معنای وسیع و همه جانبه می‌توان بازتابندگی را به صورت تلاش برای درک جایگاه محقق در بافت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی یا زبانی موضوع تحقیق، تعریف کرد. بر این اساس، پاتون (۲۰۰۲) بازتابندگی را روشی برای یادآوری به محقق کیفی می‌داند که به منشأ فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، زبانی و ایدئولوژیکی خود مصاحبه شوندگان و کسانی که نتایج تحقیق خود را به آنها گزارش خواهد کرد توجه داشته و از آنها آگاه باشد [۲۲]. رابسون (۲۰۰۲) نیز معتقد است که بازتابندگی آگاهی از طرقی است که محقق به عنوان یک فرد با هویت اجتماعی و پیش‌زمینه قبلی بر فرآیند تحقیق تأثیر می‌گذارد. در واقع می‌توان ادعا کرد که بازتابندگی اذعان و اشاره محقق به تأثیر ارتباطات بین محققین، موضوع تحقیق و شرکت کنندگان بر نتایج است. بر این اساس محقق باید آگاهی خود را از موقعیت اجتماعی، فرهنگی و سیستم‌های ارزشی خود که ممکن است انتخاب مسئله تحقیق، طرح تحقیق، جمع‌آوری و آنالیز داده‌ها را تحت تأثیر قرار دهد، نشان دهد [۲۳].

دستیابی به بازتابندگی نیازمند عملکرد محقق بر پایه تأمل با ذهنی باز است. اوباج و لوویس معتقدند باوجود آنکه تفکر و تأمل (Reflection)، نقشی انکارناپذیر در بازتابندگی دارند، اما باید دانست که بازتابندگی به معنای درونگری در محیطی ایزوله و با ذهنی بسته نیست، بلکه یک فرآیند بین‌الذاتی است که فرد تلاش می‌کند تا بین خود و محیط ارتباط برقرار کند [۱۲]. برای نمونه بزرگ زاد و همکاران در مطالعه‌ای که با رویکرد اتنوگرافی انتقادی بر ایمنی فرهنگی انجام داده‌اند، بازتابندگی را اینگونه بیان کرده‌اند: در این مطالعه پژوهشگر از تأثیر

تأثیر آنها بر مطالعه و تفسیر داده‌ها را تا حد امکان کنترل کند. از سوی دیگر، پژوهشگر باید آگاه باشد که در مقابل تأثیرگذاری بر محیط پژوهش، تأثیرپذیری هم وجود دارد. حضور طولانی مدت در عرصه باعث می‌شود مشارکت کنندگان و محیط بر افکار و عقاید پژوهشگر تأثیر بگذارند [۱۳]. شناسایی، آزمون و درک این واقعیت، که چگونه پیشینه اجتماعی و پیش فرضهای محقق می‌تواند در فرآیند تحقیق مداخله کند؛ موجب حساسیت به تعاملات موقعیتی مهم بین محقق و مشارکت‌کننده است و می‌تواند دانش تولید شده را تحت تأثیر قرار دهد [۱۶].

پس از ارائه تعاریف مربوط به بازتابندگی، برای شفافیت مفهوم لازم است مفاهیم مرتبط با آن نیز تشریح شوند. اولین مفهوم که باید ارتباط آن با بازتابندگی مشخص شود، تأمل است و در این مورد بر تأمل با ذهن باز تأکید است. به این معنا که پژوهشگر نه به تنهایی بلکه باتوجه به تأثیری که محیط بر وی دارد، باید تفکری باز و همه جانبه داشته باشد [۱۷].

مفهوم بعدی که باید نحوه ارتباط آن با بازتابندگی مشخص شود، بازتاب است. فیثالی به نقل از وولگار می‌نویسد، بازتاب یک واژه کلی‌تر است که تمرکز آن بر روند مطالعه و تأیید و بازبینی (Verification) است. به بیان دیگر حصول اطمینان از اینکه بیانات مشارکت کنندگان به درستی منعکس شده است و در زمان گزارش یافته‌ها، مدنظر قرار می‌گیرند. بر این اساس بازتاب مناظر بر یک واقعه بیرونی است. در حالیکه بازتابندگی بر خود محقق متمرکز است و بر دیدگاهی درونی تأکید دارد که در تمام مراحل مطالعه صادق است [۴]. در همین راستا در بازتابندگی خودآگاهی به دو صورت دیده شده است: خودآگاهی به عنوان بخشی از بافت اجتماعی، که بر پدیده تحت مشاهده تأثیر می‌گذارد و خودآگاهی به عنوان فردی که تورش‌ها، پیش‌داوری‌ها، فیلترهای شناختی و استدلال محدود شده به جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها رابه کار می‌برد. دوالینگ نیز سه شکل برای خودآگاهی بازتابندگی شمرده است: بازتابندگی هستی‌شناسانه (epistemological reflexivity)؛ زمانی که محقق بر ابعاد نظری پیش‌فرض‌های خود فوکوس می‌کند. بازتابندگی موقعیت سیاسی (politics of location)؛ زمانی که محقق از منظر سیاسی و برساخت‌های اجتماعی، موضوع تحقیق را مورد بررسی قرار می‌دهد و دیدگاه فمینیستی که محقق را تشویق می‌کند با رویکرد فمینیستی بر سوژه تحقیق نظر کند [۱۲].

شکی وجود ندارد که فرآیند بازتابندگی، آگاهی از تغییرات ناشی از تجربه Insider-outsider بوده و ماهیت متغیر نتایجی که ناشی از نقش‌های فعال و محیطی محقق است، را کاهش می‌دهد. امروزه خودآگاهی روش‌شناختی به عنوان یک بعد درونی در تحقیقات کیفی مطرح است. داستان در پس داستان که به وسیله بازتاب فراهم می‌شود، به طور اجتناب‌ناپذیری موجب افزایش بینش نسبت به ارتباطات بین محقق - مشارکت‌کننده در تحقیقات کیفی می‌شود. انتخاب‌هایی که محقق کیفی بین مشاهده‌کننده صرف بودن، یا انجام مشاهده با مشارکت کامل انجام می‌دهد، به عنوان تصمیم‌گیری در مورد خودشناسی و اخلاق مطرح می‌شود. دوره‌های طولانی مشاهده، از طریق طرح سئوالات اخلاقی و مورال، خودآگاهی را افزایش می‌دهد که این امر در طول جمع‌آوری داده‌ها، آشکار می‌شود [۱۸].

بر این اساس وجود ساز و کاری که بتواند این تاثیرات را به حداقل برساند، لازم و ضروری است. بر این اساس استفاده از بازتابندگی که شکل فعالتری از خود-انعکاسی (یک مکالمه با خود) است، مورد تأیید اکثر پژوهشگران این عرصه است. همچنین باید یادآور شد که تمرکز بازتاب می‌تواند محقق، شرکت کننده یا هر دو باشد [۲۹].

نتیجه‌گیری

در این مطالعه تعاریف و ابعاد مختلف بازتابندگی تشریح شد، سپس استراتژی‌های به کارگیری این مفهوم در مطالعات کیفی توضیح داده شد. به طور خلاصه می‌توان بازتابندگی را نگاهی نقادانه به محقق و روند تحقیق دانست؛ انتقادی که از درون محقق نشات می‌گیرد و تفاسیر وی از زندگی و تجربیاتش در مواجهه با وقایع تحت تأثیر قرار می‌دهد. چنین دیدگاهی به محقق اجازه می‌دهد که دعای مشارکت‌کنندگان را با صدای خود آن‌ها بشنود و معنا کند. بدین ترتیب با اطمینان بیشتری می‌تواند خود را نماینده داده‌ها بداند و این فلسفه‌ای در پس تمامی مطالعات کیفی است. از این رو توجه به مفهوم بازتابندگی برای همه محققین کیفی ضروری است. به علاوه ما دریافتیم با واضح سازی پیش فرضها و چارچوب‌های خود، می‌توانیم تأثیر تحریفات بر تفسیر داده‌ها را به حداقل برسانیم. مدل‌ها و مفهوم‌سازی‌های جدید، به محض پدیدار شدن، باید فوراً مکتوب شده و توجیه شوند، از این طریق می‌توانیم دلالت‌های آن را مورد آزمون قرار دهیم. به عنوان مثال، ممکن است نیاز به جستجوی متون جدید، نیاز به جمع آوری داده از یک موقعیت متفاوت برای مقایسه با ساختارهای پدیدار شده، یا نیاز به تغییر یک کدگذاری نامناسب را احساس نماییم. بدین منظور باید سؤالات زیر پرسیده شوند: مفهوم جدید از متون، تجربه یا تحلیل داده‌ها برآمده است؟ آیا این مفهوم یا طبقه برای داده‌های دیگری نیز مناسب است؟ این ارتباطات و طبقه‌ها چه نوع تئوری را ارائه می‌دهند؟ باید توجه داشت که در فرایند مطالعات کیفی گاهی اوقات ذهنیت گزایی، دیدگاه‌های اعجاب‌انگیزی را آشکار می‌سازد. با این وجود باید اشاره کنیم که این دیدگاه‌ها از کجا می‌آید نه اینکه ادعا کنیم که همه آن‌ها از داده‌ها برآمده است. در تمام مراحل فرایند تحقیق، باید قادر به درک این باشیم که چگونه به یافته‌ها رسیده‌ایم و اینکه چه چیزی ما را حساس می‌کند تا الگوهای خاصی را مورد آزمون قرار دهیم. بنابراین می‌توانیم از خود در مقابل این اتهام که فقط آنچه را که به دنبال آن بودیم را یافتیم، دفاع کنیم. این درک و فهم باید در زمان اجرای تحقیق ثبت و نگارش شود.

References

- Nastasi BK, Schensul SL. Contributions of qualitative research to the validity of intervention research. *J Sch Psychol*. 2005;43(3):177-95.
- Tuli F. The basis of distinction between qualitative and quantitative research in social science: Reflection on ontological, epistemological and methodological perspectives. *Ethiopian J Educ Sci*. 2011;6(1). doi: 10.4314/ejesc.v6i1.65384
- Bear-Lehman J. A word about qualitative research. *J Hand Ther*. 2002;15(1):85. doi: 10.1053/hanthe.2002.v15.01585

وجودش بر عرصه آگاه است و نیز می‌داند که پیشینه پرستاری وی بر ادراک او در خصوص ارتباط بین بیمار و تیم درمان و تفسیر مفهوم ایمنی فرهنگی تأثیرگذار است. از این رو، ضمن مکتوب نمودن نظرات و احساسات و عواطف خود قبل و حین انجام تحقیق، موقعیت‌ها را در دو حالت ثبت خواهد نمود، در حالت اول صرفاً برداشت سطحی از موقعیت تحت عنوان "هرآنچه که هست" را ثبت می‌کند و در حالت دوم تلاش خواهد کرد تا در سطحی عمیق‌تر به شناسایی ارزش‌ها، باورها و دیدگاه‌های شکل دهنده اعمال بپردازد [۱۷]. در این مطالعه محقق از تأثیر دیدگاه و عقایدش بر مطالعه آگاه است و ضمن بیان باورها و احساساتش، با ثبت بدون تفسیر اطلاعات تلاش می‌کند امکان برداشت‌های متفاوت را برای خوانندگان تحقیق فراهم سازد تا بدین وسیله صحت دعاوی مطرح شده در مطالعه نیز محک زده شوند. نتایج این مطالعه نشان دهنده عدم اجماع محققین در خصوص چگونگی به کارگیری بازتابندگی در عرصه پژوهش بودند. مورس (۱۹۹۴) در این رابطه معتقد است که روش‌های کیفی با توصیه‌های متناقض در مورد به کارگیری دانش قبلی (شامل تجربه و دانش قبلی محقق که آن‌ها باید مورد مطالعه قرار دهند) مواجه هستند [۲۴]. لیبسون (۱۹۹۱) نیز بازتابندگی را در قالب حضور محقق به عنوان بخشی از داده‌ها می‌داند و محقق را از داده‌ها جدا نمی‌داند [۲۵]. از سوی دیگر هاجینسون (۱۹۹۳) اشارات خاصی را در مورد بازتابندگی در تحقیقات کیفی دارد و چنین می‌نویسد که به دلیل اینکه تحقیق کیفی نیازمند تعاملات بین فردی است، محقق به صورت اجتناب ناپذیری بخشی از مشاهدات خود است. بنابراین همواره تأثیر این تعاملات بر نتایج تحقیق کیفی مورد بحث بوده است [۲۶]. با این وجود جمع‌کنیری از محققان از جمله برگر و کلنر (۱۹۸۱) و هاجینسون (۱۹۹۳) از این موضوع که محقق کیفی باید از مفروضات قبلی، ارزش‌ها و باورهای شخصی خود آگاه باشد و آن‌ها را از فرآیند تحقیق متمایز نماید، دفاع کردند [۲۶، ۲۷]. دانشمندان اجتماعی تفسیری بیان می‌کنند که یافته‌های محقق از ارزش‌ها و دیدگاه‌های او متأثر می‌گردد و محقق باید آن‌ها را کشف و اذعان نماید. البته درست است که به دلیل نزدیکی زیاد محقق به شرکت کننده در تحقیقات کیفی، احتمال خودآگاهی بسیار کم است اما حداقل تفکر عمیق در مورد آن با کمک بازتابندگی می‌تواند تورش‌ها را به حداقل برساند [۲۸]. باید توجه داشت که انتخاب داده‌ها ضمن این که برای توسعه تئوری اهمیت دارد، یک فرآیند استقرایی است که از درک و فهم محقق برمی‌آید و این درک و فهم به وسیله تجارب خارج از مطالعه تحقیقی تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

8. Corbin J, Strauss A. Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory. Thousand Oaks 2008.
9. King K. Feminism and writing technologies: Teaching queerish travels through maps, territories, and pattern. *Configurations*. 1994;2(1):89-106. doi: [10.1353/con.1994.0012](https://doi.org/10.1353/con.1994.0012)
10. Koch T, Harrington A. Reconceptualizing rigour: the case for reflexivity. *J Adv Nurs*. 1998;28(4):882-90. pmid: [9829678](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/9829678/)
11. Holloway I, Wheeler S. Interviewing. 3rd, editor. West Sussex: Wiley-Blackwell Publishing; 2010.
12. Dowling M. Approaches to reflexivity in qualitative research. *Nurse Res*. 2006;13(3):7-21. doi: [10.7748/nr2006.04.13.3.7.c5975](https://doi.org/10.7748/nr2006.04.13.3.7.c5975) pmid: [16594366](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/16594366/)
13. Gasson S. Rigor in grounded theory research: An interpretive perspective on generating theory from qualitative field studies. *The handbook of information systems research*. 42004. p. 79-102.
14. Palaganas EC, Sanchez MC, Molintas M, Visitacion P, Caricativo RD. Reflexivity in Qualitative Research: A Journey of Learning. *Qual Rep* 2017;22(2):426-38.
15. McNair R, Taft A, Hegarty K. Using reflexivity to enhance in-depth interviewing skills for the clinician researcher. *BMC Med Res Methodol*. 2008;8(1):73. doi: [10.1186/1471-2288-8-73](https://doi.org/10.1186/1471-2288-8-73) pmid: [18992167](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/18992167/)
16. Leavy P, Hesse-Biber SN. *The practice of qualitative research*. Thousand Oaks: Sage; 2006.
17. Bozorgzad P. Cultural safety in hospitalized patients: a critical ethnography study 2017.
18. Burns E, Fenwick J, Schmied V, Sheehan A. Reflexivity in midwifery research: the insider/outsider debate. *Midwifery*. 2012;28(1):52-60. doi: [10.1016/j.midw.2010.10.018](https://doi.org/10.1016/j.midw.2010.10.018) pmid: [21130547](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/21130547/)
19. Cooper N, Burnett S. Using discursive reflexivity to enhance the qualitative research process: An example from accounts of teenage conception. *Qual Soc Work*. 2006;5(1):111-29.
20. McGhee G, Marland GR, Atkinson J. Grounded theory research: literature reviewing and reflexivity. *J Adv Nurs*. 2007;60(3):334-42. doi: [10.1111/j.1365-2648.2007.04436.x](https://doi.org/10.1111/j.1365-2648.2007.04436.x) pmid: [17908129](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/17908129/)
21. Lowe A. The basic social processes of entrepreneurial innovation. *Int J Entrepren Behav Res* 1995;1(2):54-76.
22. Newbury J. Reflexivity in a study of family carers in home palliative care: a personal account. *Nurse Res*. 2011;19(1):30-6. doi: [10.7748/nr2011.10.19.1.30.c8769](https://doi.org/10.7748/nr2011.10.19.1.30.c8769) pmid: [22128585](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/22128585/)
23. Kitto SC, Chesters J, Grbich C. Quality in qualitative research. *Med J Aust*. 2008;188(4):243-6. pmid: [18279135](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/18279135/)
24. Morse JM. *What's wrong with random selection?* Thousand Oaks, CA: Sage Publications 1998.
25. Lipson JG. The use of self in ethnographic research. *Qual Nurs Res*. 1991:73-89.
26. Boyd CO, Munhall PL. *Nursing research: A qualitative perspective*: National League for Nursing Press; 1993.
27. Berger PL, Kellner H. *Sociology reinterpreted: An essay on method and vocation*: Anchor Books; 1981.
28. Mallalieu G, Harvey C, Hardy C. *The wicked relationship between organisations and information technology*. Collaborative Information Technologies: IGI Global; 2002. p. 239-61.
29. Smith JA. Reflecting on the development of interpretative phenomenological analysis and its contribution to qualitative research in psychology. *Qual Res Psychol*. 2004;1(1):39-54.